

بزدان منصوریان

آشنایی‌زدایی از جریان آرام روزمرگی

فرهنگ و زندگی روزمره

دیوید اینگلیس، ترجمه نازنین میرزابیگی

نشر گمان، ۱۳۹۴

۲۸۰ صفحه، ۱۷۵۰۰ تومان

کتاب به قلم دیوید اینگلیس، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آبردین اسکاتلند، نمونه موفق از آشنایی‌زدایی از مفهوم روزمرگی در دنیای معاصر است؛ فراخوانی برای بازاندیشی درباره رفتارهای معمول و متداولی که هر روز به عادت انجام می‌دهیم. «همه ما روزمان را با فعالیت‌هایی چنان عادی و پیش‌پاافتاده سپری می‌کنیم که ارزش صحبت کردن ندارند: بیدار شدن، مسواک زدن، دوش گرفتن، درست کردن یک فنجان چای یا قهوه، بردن بچه به مدرسه، سلام و احوال‌پرسی با همسایه‌ها، سوار مترو شدن و ...» (ص. ۱۶). آنچه «خمیرمایه زندگی روزمره» را تشکیل می‌دهد در قلمرو بزرگ‌تری به نام «فرهنگ» ساخته می‌شود که مقوله‌ای پیچیده و آکنده از رمز و راز است؛ در نتیجه ارائه تعریفی جامع و مانع از آن همیشه دشوار بوده و خواهد بود، با این حال نویسنده به هشت ویژگی فرهنگ اشاره می‌کند تا چارچوبی برای بحث بسازد.

نخست آن که فرهنگ شامل الگوهایی از ایده‌ها، ارزش‌ها، و اعتقادات مشترک میان گروهی از مردم است و شیوه‌های تفکر و احساس آنان را نسبت به رخدادهای جهان می‌سازد. دومین ویژگی فرهنگ خاصیت متمایزکننده آن است که گروهی را از گروه‌های دیگر تفکیک می‌کند. سوم آن که «فرهنگ یک گروه جهان را برای افراد آن گروه معنادار می‌کند؛ فرهنگ چارچوبی است که افراد آن گروه از طریق آن جهان اطرافشان را تجربه و درک می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت که انسان‌ها هیچ‌گونه دسترسی مستقیمی به واقعیت ندارند؛ واقعیت آنان را تماماً فرهنگ شکل می‌دهد» (ص. ۲۹). در نتیجه، ارزش‌ها و باورهای هر گروه در چارچوب فرهنگ شکل می‌گیرد و همین خصیصه خود زمینه‌ساز خلق نمادها، نشانه‌ها، و محصولاتی است که در سپهر فرهنگی هر جامعه ساخته می‌شوند. افزون بر این، فرهنگ قراردادی است؛ آموخته می‌شود و همیشه با شکل‌های مختلف «قدرت اجتماعی» پیوند دارد.

در چنین چارچوبی زندگی روزمره شکل می‌گیرد که به تعبیر ادمونند هوسرل «زیست‌جهان» ماست؛ جهانی که همیشه همه‌چیزش معلوم و مسلم است، جهانی که همیشه تکلیفش از پیش معین است. (ص. ۳۴). محدوده آشنایی که در آن احساس امنیت و آرامش می‌کنیم و فقط زمانی حضورش را می‌فهمیم که به دلیلی از آن خارج می‌شویم؛ در نتیجه رابطه ما با این زیست‌جهان مانند رابطه ماهی با آب است. در آن غوطه‌وریم، اما به همان میزان که برایمان آشناست از سرشت

و ماهیتش بی‌خبریم و کتاب حاضر نمونه‌ای از بازشناسی این جهان نامرئی محسوب می‌شود. مؤلف در نخستین فصل کتاب به تبیین پیوند میان «طبیعت»، «فرهنگ» و «زندگی روزمره» می‌پردازد و با ارائه مثال‌هایی روشن نشان می‌دهد که چگونه فرهنگ با مهار ذات سرکش آدمی زیربنای تمدن را شکل می‌دهد و زندگی اجتماعی را میسر می‌سازد. سپس با استناد به زیگموند فروید به مفاهیمی بنیادین همچون «شرم» اشاره می‌کند و سهم آن را در ساختن فرهنگ توضیح می‌دهد. زیرا فرهنگ اساساً بر بنیاد «شرم» استوار است؛ شرمی که رفتارهای غریزی ما را مهار می‌کند و به کمک «اخلاق» چارچوبی مدون می‌سازد که در پرتو آن تمدن متولد می‌شود و مناسبات مدنی معنا می‌یابد. البته مناسباتی که متناسب با تاریخ و جغرافیا متفاوت است. در جوامع سنتی کنش اجتماعی معمولاً «معطوف به ارزش‌ها» بوده و در دنیای مدرن این کنش لباسی از عقلانیت پوشیده و بیشتر «معطوف به هدف» است. مثلاً در دنیای سرمایه‌داری هدف نهایی کسب سود بیشتر است و تعامل‌های اجتماعی اغلب هم‌سو با همین هدف تعریف می‌شود. چنین نگرشی مؤلفه‌هایی نظیر چیرگی پول بر فرهنگ، فردگرایی، رقابت، و سرعت را در دنیای معاصر به همراه می‌آورد. به باور نویسنده:


فرهنگ مدرن را می‌توان متشکل از مجموعه‌گیج‌کننده‌ای از توانایی‌ها و امکاناتی دید که همواره در حال تغییر و تحولند. همه‌چیز در آن موقتی می‌نماید، بیش از دوره‌ای کوتاه نمی‌پاید و دائم رنگ عوض می‌کند. این با موقعیت فرهنگی جوامع سنتی کاملاً تفاوت دارد، که در آن تغییر در ایده‌ها و نگرش‌ها در مجموع آرام و تدریجی رخ می‌دهد. (ص. ۱۱۱)

در متن کتاب شواهدی از این فرهنگ سرعت و شتابزدگی همراه با پیامدهای آن بر زندگی روزمره ارائه شده است؛ مانند فرهنگ اتوموبیل که با خود گسترش بزرگراه‌ها و آلودگی هوا را به همراه آورده است و زندگی انسان معاصر را به سوی زوال و تباهی سوق می‌دهد؛ انسانی که در محفظه‌آهنی اتوموبیل اسیر است، ارتباط چندانی با جهان پیرامون ندارد، و در انزوا و اضطرابی دائمی به سر می‌برد. به تعبیر جورج زیمل، جامعه‌شناس نامدار آلمانی، «شهر مدرن عرصه‌ای است که در آن تعدادی زیادی از محرک‌ها دائم ذهن ما را بمباران می‌کنند» (ص. ۱۱۱) و انسان معاصر برای آن‌که در چنین محیطی دوام بیاورد ناگزیر است بخش عمده‌ای از این صداها، نورها، و بوها را نادیده بگیرد و بر نیازهای خویش متمرکز باشد. در نتیجه نسبت به اطرافش بی‌اعتنا می‌شود تا مراقب خویش باشد: «حدی از خودمداری، خودخواهی، و در واقع نوعی پرخاشگری جلیقه‌های نجات لازمی هستند که فرد در میان امواج روزمره زندگی شهری با خویش به این سو و آن سو می‌برد؛ و بدون آنها در دریایی از شوک‌های حسی که حاصل زندگی در شهرهای مدرن هستند، غرق خواهد شد.» (ص. ۱۱۴)

زندگی روزمره انسان معاصر در چنین فضایی شکل گرفته که اساساً با تردیها، تضادها، و تنش‌های پرشماری مواجه است. بسیاری از جامعه‌شناسان کوشیده‌اند توضیحی مستند از آنچه در این فضا رخ می‌دهد ارائه دهند. برخی از آنان از دیدگاه نظری به موضوع نگرسته‌اند و گروهی دیگر چاره‌کار را در مطالعات میدانی می‌جویند. مؤلف در فصل سوم در قالب مفاهیمی از جمله «فرهنگ فاخر»، «فرهنگ رایج»، و «فرهنگ نازل» به مقایسه این رویکردها می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که هیچ‌یک به‌تنهایی نمی‌تواند بیانگر پیچیدگی زندگی روزمره باشد. به

باور او نه می‌توان مرز روشنی میان فرهنگ فاخر و فرهنگ رایج یا نازل تصور کرد، و نه می‌توان به‌سادگی یکی را ستود و دیگری را سرزنش کرد. او با انتقاد از نگاه انتزاعی متفکرانی همچون متیو آرنولد، تئودور آدورنو، و ماکس هورکهایمر درباره برتری و اصالت فرهنگ و هنر فاخر بر این نکته تأکید می‌کند که تلاش برای تبیین هر مفهوم فرهنگی بیرون از بستر تاریخی آن محکوم به شکست است. او برای این استدلال به آثار پژوهشگرانی همچون ریموند ویلیامز و ریچارد هوگارت استناد می‌کند که با مطالعات میدانی خود به این نتیجه رسیده‌اند که محصولات فرهنگی عامه‌پسند الزاماً پوچ و تهی نیستند و شواهد متعددی برای کارآمدی و اثربخشی آنها وجود دارد؛ مانند سهم سینمای تخیلی هالیوودی در امید بخشیدن به انسان غمگین و خسته پس از جنگ جهانی دوم در اواسط قرن بیستم.

افزون بر این، تعاریف موجود از مفاهیم فرهنگی همیشه وابسته به زمینه است. مثال بارز آن ماجرای جنجالی «کاسه توالتی» است که مارسل دوشان در ۱۹۱۷ در یک گالری معروف در نیویورک به نمایش گذاشت و نشان داد که این شهرت هنرمند و جایگاه عرضه اثر است که ارزشش را تعیین می‌کند، نه چیزی در ذات اثر. مؤلف به کمک همین نگاه انتقادی در فصل آخر به بررسی پدیده «جهانی شدن فرهنگ» می‌پردازد و می‌نویسد که به‌رغم فراگیر شدن آن‌چه «فرهنگ جهانی» خوانده می‌شود، هنوز رنگ و بوی فرهنگ محلی در گوشه و کنار دنیا وجود دارد. او رد پای فرهنگ محلی را حتی در کانون‌های اصلی فرهنگ جهانی، مانند فرودگاه‌های بین‌المللی که به دلیل شباهت‌های بی‌شمار به یکدیگر اصطلاحاً «نامکان» خوانده می‌شوند، نیز می‌بیند و همچنان به آینده امیدوار است.



کیک عروسی
داستانهای دیگر
مگان میهبو برگمن، راسل بنتس،
جولی اوتسوکا و ...
انتخاب و ترجمه مژده دقیقی

فرخ امیرفریار

کیک عروسی در هنگامه سوگ رابطه‌ها

کیک عروسی و داستان‌های دیگر

مگان میهبو برگمن او دیگران،
انتخاب و ترجمه مژده دقیقی
نیلوفر، ۱۳۹۶
۲۱۱ صفحه، ۱۸۵۰۰۰ ریال

این کتاب حاوی یازده داستان کوتاه از نویسندگان انگلیسی‌زبان است؛ برخی مشهور و با پیشینه‌ای دراز در نویسندگی و بعضی تازه‌کار. آیزاک باشویس سینگر و استیون کینگ در ایران نیز از نویسندگان مشهور و شناخته‌شده‌اند.

مضمون داستان‌ها عمدتاً زندگی آدم‌های طبقه متوسط و پایین متوسط است. این داستان‌ها به لحاظ سبک داستان‌هایی واقع‌گرا و ساده‌اند، به‌جز دو داستان که یکی تخیلی و دیگری به